

خیانت و خباث

درباره نقش **شاپور بختیار** در جنگ تحمیلی

از جنگ من با دولت عراق و نماینده آن دولت مذاکرات و گفت‌وگوهایی داشتم. خود آنها با من تماس برقرار کردند. در ادامه می‌گویم: من مداوماً آنها را علیه جنگ با ایران برحذر داشتم. وقتی فضا برای آنان دیگر قابل تنفس نبود، باز به آنها پیشنهاد کردم که امام خمینی را منزوی کنند و از این راه وسائل سرنگونی‌اش را فراهم آورند. صحبت‌های بختیار اگر هم واقعیت داشته باشد، نشان‌دهنده تحریک عراق برای حمله به ایران بوده است؛ از طرفی بختیار نه به‌عنوان مفسر و تحلیلگر اوضاع، بلکه در مقام رهبری سیاسی سخن می‌گفت و گفته‌هایش در این عرصه، معنای دیگری جز توجیه جنگی تمام‌عیار از طرف عراق علیه ایران به‌جا نگذاشت. در جای دیگر او می‌گوید: اگر امام خمینی در ایران بماند، این خطر برای عراق هست که خود سرنگون شود و در نتیجه کشورهای عربستان سعودی

دیدارها، برابر تعهداتی که به گردن گرفت، مبالغ قابل توجهی پول و اجازه پخش برنامه‌ای به مدت یک ساعت در روز را از بغداد به دست آورد. به دنبال این توافق، رادیوی مزبور زیر نام رادیو آزاد ایران آغاز به کار کرد. دو برنامه رادیویی ایران و صدای آزاد ایران، نقش عمده‌ای در فریب مردم و نیروهای مسلح ایران و در نتیجه موفقیت اولیه آفند نظامی عراق بر عهده داشتند. همچنین شاپور بختیار طی ملاقات‌های مکرر با مقام‌های حکومت عراق، آنها را تشویق کرد به ایران حمله کنند. اگرچه بختیار در کتابی که خود منتشر کرده، ادعا می‌کند که رفتنش به عراق به خاطر مانع شدن از جنگ صدام علیه ایران بوده است و می‌گوید: جنگی که توسط عراق آغاز شد، نتیجه مستقیم تحریکات امام خمینی بود. من در حد امکانم کوشیدم که مانع بروز آن شوم. قبل

فرشته جهانی

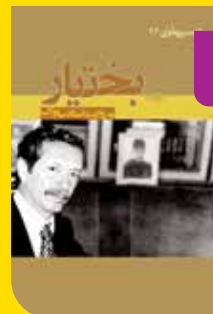
نویسنده

«شاپور بختیار» در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ خورشیدی، پس از ترک نخست‌وزیری از دانشکده افسری با هلیکوپتر به پادگان عشرت‌آباد و از آنجا به ساختمان آی. اس. ب در تقاطع خیابان حکیم و کردستان، به منزل یکی از آشنایانش می‌رود. از این زمان به بعد، زندگی مخفی بختیار شروع می‌شود. او در این مورد می‌نویسد: «چند دقیقه پس از خروج من از نخست‌وزیری زندگی مخفی من آغاز شد. تنها رابط من با دنیای خارج، که در آن انقلاب یک‌تازی می‌کرد، یک رادیوی ترازبستوری بود.» بختیار نزدیک شش ماه در این خانه مخفی بود و در این مدت از خانه بیرون نرفت. زمانی که بختیار در مخفی‌گاه بود، بسیاری از کشورها و دوستانش در تلاش بودند که او را نجات دهند. سرانجام در تیرماه ۱۳۵۸ خورشیدی، با در دست داشتن گذرنامه‌ای فرانسوی به نام «فرانسوا» که دولت فرانسه برای او تهیه کرده بود، ایران را ترک کرد. زمینه خروج او را از کشور پونیاتوفسکی، وزیر پیشین کشور دولت فرانسه در تهران تدارک دیده بود.

بدین ترتیب فرار بختیار و رفتن به پاریس را باید نقطه آغاز تلاش‌های او علیه جمهوری اسلامی دانست. او در این زمان به‌عنوان یکی از رهبران عمده ضدانقلاب شناخته شد و از هیچ تلاشی برای براندازی جمهوری اسلامی دریغ نکرد و در پاریس پرچم مبارزه با امام خمینی و جمهوری اسلامی را به کمک تعدادی از اعضای فراری ارتش و جبهه ملی برافراشت. بر اساس اسناد به‌دست‌آمده، جای پای بختیار در بسیاری از توطئه‌ها و کودتاها علیه ایران وجود دارد. یکی از این توطئه‌ها، همکاری با صدام در طول جنگ تحمیلی است.

بختیار چندین بار از بغداد دیدن کرد. این دیدارها حتی در زمان اشغال خاک ایران از سوی ارتش عراق نیز ادامه داشت. بختیار در این

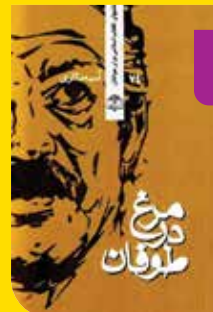
شاپور بختیار به روایت اسناد ساواک



انتشارات مرکز بررسی اسناد تاریخی
۱۳۹۰

آنچه در این مجموعه از پرونده بختیار منتشر می‌شود، صفحه‌ای دیگر از تاریخ معاصر و بررسی یک جریان مدعی ملی و ایرانیست به روایت اسناد ساواک است. بختیار ۳۷ روز قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، با قبول نخست‌وزیری رژیم پهلوی افزون بر پذیرش ننگ ستمگری و همراهی با رژیم فاسد پهلوی، در زمره جنایتکاران و آدم‌کشان قرار گرفته و در مدت کوتاه نخست‌وزیری‌اش، هزاران نفر را در سراسر مملکت به خاک و خون کشاند.

مرغ طوفان



مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۱۳۹۲

فصل اول به دوران کودکی و جوانی شاپور بختیار می‌پردازد و فصل دوم به نحوه ورود او به سیاست اختصاص دارد. سومین فصل کتاب دوران نخست‌وزیری بختیار را بررسی می‌کند. فصل‌های چهارم و پنجم به مواجهه بختیار با انقلاب اسلامی می‌پردازد. فصل ششم و پایانی هم سرانجام بختیار، آخرین نخست‌وزیر شاه را بررسی می‌کند و صفحات این فصل، به زندگی مخفی او بعد از ۲۲ بهمن ۵۷ و تلاش برای فرار از کشور اختصاص دارد.

یک‌رنگی



شاپور بختیار
۱۳۶۱

این کتاب نوشته شاپور بختیار است که نخست در سال ۱۹۸۲ و به زبان فرانسوی نوشته و منتشر شد و هدف نخست از نگارش آن، اطلاع‌رسانی به غیرایرانیان درباره حوادث انقلاب اسلامی بود. این کتاب، پس از مدتی زیر نظر خود بختیار و توسط مهشید امیرشاهی، نویسنده و روزنامه‌نگار ایرانی، با عنوان «یک‌رنگی» به فارسی ترجمه شد. کتاب پر از کینه‌توزی بختیار نسبت به انقلاب اسلامی و خیزش مردم علیه حکومت سلطنتی است.

